معرفت اخلاقی
سال پانزدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ص ۲۷-۴۶
https://creativecommons.org/licenses /by-nc /4.0
10.22034/marefateakhlagi.2024.5000599

عملکرد حوزهٔ علمیهٔ قم
در حیطهٔ اخلاق اجتماعی در یکصد سال اخیر*

محمدجواد فلاح/ دانشیار گروه «مدرسی اخلاق اسلامی» دانشگاه معارف اسلامی
fallah@maaref.ac.ir
orcid.org/0000-0003-2128-1326
دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ - **پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

چکیده
از زمان تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم که قریب یکصد سال می‌گذرد، این حوزه نقش تأثیرگذاری در تحولات اجتماعی داشته است. این تحولات از منظر اخلاقی قابل بررسی و واکاوی است. مقالهٔ حاضر با گونه‌شناسی این تأثیرات بر اساس شاخص‌هایی همچون جغرافیای تأثیر، قلمرو تأثیر، نوع مخاطب متأثر از حوزه، نوع برونداد تأثیر و نیز زمان و تاریخ این تأثیرگذاری به ابعاد گوناگون تأثیرات اخلاقی حوزه می‌پردازد. این‌گونه‌شناسی نشان می‌دهد که در یکصد سال تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم- چه قبل از انقلاب اسلامی ایران وچه بعد از آن - این حوزه توانسته است با تأثیرات اخلاقی خود در برخی مقاطع تاریخی، تحولات قابل توجهی را ارائه کند. مبارزات سیاسی- اجتماعی، خدمات عمومی و عام‌المنفعه، تواصی و خیرخواهی اجتماعی و مشارکت‌های همدلانه، و پس از انقلاب اسلامی در مقاطعی مثل جنگ، محرومیت‌زدایی و سازندگی کشور همواره حوزه‌ها الهام‌بخش اخلاقی اجتماع بوده‌اند. این تأثیر فراتر از کشور ایران در کشورهای دیگر نیز قابل رصد است.

کلیدواژه‌ها: حوزهٔ علمیهٔ قم، تحولات اجتماعی، گونه‌شناسی تأثیرات حوزه، اخلاق.

* این مقاله با حمایت دبیرخانهٔ دائمی کنگرهٔ یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزهٔ علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری تألیف شده است.

مقدمه

بررسی تاریخ ایران اسلامی نشان می‌دهد علما نقش بسزایی در نوع عملکرد اجتماعی مردم و حکومت‌ها داشته‌اند. این تأثیرات را می‌توان در حکومت‌های مختلف ایران اسلامی بررسی کرد (ر.ک. بهداروند، ۱۳۹۶). اما تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم با اشراف و عنایت مرحوم *شیخ عبدالکریم حائری یزدی* نقطه آغازی برای شکل‌گیری فعالیت‌های تشکیلاتی حوزهٔ علمیهٔ قم و نقطه آغاز تحولات اجتماعی در ایران شد. این تحولات زمینه‌ساز اتفاقات اجتماعی، از جمله حرکت مردم ایران برای بهسازی فرهنگی و اخلاقی گردید. حوزه‌ها با نظام تشکیلاتی متأثر از حوزهٔ علمیهٔ قم، زمینه هدایتگری اقشار گوناگون مردم را فراهم ساختند و تا کنون منشأ حرکت‌های اصلاحی و خیرخواهانه و تلاش برای بهبود شرایط فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند.

چنین تأثیری را می‌توان در ابعاد گوناگون بازخوانی کرد. اوج این تأثیر شکل‌گیری قیام مردم علیه ظلم و همداستانی و همراهی آنها برای مبارزه با بی‌عدالتی و شکل‌گیری عدالت فراگیر در جامعه ایران شد. این حرکت اجتماعی عظیم که با محوریت دین و دفاع از آموزه‌های اسلام اصیل به رهبری امام عظیم الشأن اتفاق افتاد، منشأ خدمات و برکات اجتماعی و اخلاقی متعددی گردید.

البته حرکت اخلاقی و اجتماعی حوزه تا پیش از انقلاب، یعنی از زمان تأسیس حوزه در زمان مرحوم *حاج شیخ عبدالکریم حائری* تا زمان انقلاب اسلامی در قالب‌هایی مثل تواصی به خیر، اصلاحگری اجتماعی و ارشاد حاکمیت و حرکت‌های اجتماعی به صورت پراکنده صورت می‌گرفت و متناسب با شرایط و خفقان موجود، علمای حوزه سعی در حفظ حیات اخلاقی و دینی مردم ایران داشتند. در بلاد گوناگون این روحانیان و علمای حوزه بودند که با مدیریت مراجع عظام تقلید در اقصا نقاط کشور دست به اصلاحگری و فعالیت‌های خیرخواهانه می‌زدند و راهنمای مردم در امور اخلاقی و دینی بودند.

از سوی دیگر، با تأسیس و تشکیل مساجد، حسینیه‌ها و مراکز عام‌المنفعه (مثل حمام، خیریه‌ها، مدارس و دیگر امور مورد نیاز مردم) روح خیرخواهی و خدمت را در این دیار زنده نگه داشتند.

این مقاله با تمرکز بر محورهای ذکر شده، برخی از خدمات اجتماعی علمای حوزه، به‌ویژه در ساماندهی مبارزه و تقابل با ظلم‌ستیزی و خدمات اجتماعی ایشان را در عرصه‌های گوناگون منعکس نموده است.

عنوان «اخلاق اجتماعی» در این مقاله از یک‌سو شامل نظام ارتباطی بین افراد جامعه و از سوی دیگر نوع پیوندی می‌شود که با حاکمیت سیاسی دارند. این پژوهش به اعتبار جایگاه حوزه و روحانیت در جامعه‌سازی و تغییرات نظام حاکمیتی و حوزه اخلاق سیاسی از این منظر که حوزه علمیه در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مردمی در نظام‌های سیاسی تأثیرگذار است، از مصادیق اخلاق اجتماعی قلمداد شده؛ کما اینکه می‌توان از مصادیق ظلم‌ستیزی، بی‌تفاوت نبودن نسبت به سرنوشت جمعی و مصادیق مشابه را –که در زمره مصادیق سیاسی است– به‌مثابه فضایل اخلاق اجتماعی نیز به حساب آورد.

۱. اصلاحگری اخلاقی حاکمیت سیاسی

اصلاحگری و هدایت حاکمیت سیاسی از جمله عملکردهای اخلاقی حوزه است که پیش از انقلاب و پس از آن صورت می‌گرفته است. این مسئله قبل از انقلاب قائم به شخصیت‌ها بود؛ مثل شخصیت مرحوم *آیت‌الله سیدحسین بروجردی* (۱۲۵۴–۱۳۴۰) و دیگران و پس از انقلاب سازمان‌یافته و در قالب تشکل‌هایی صورت می‌گیرد. «جامعه روحانیت مبارز»، «جامعه مدرّسین حوزهٔ علمیهٔ قم» و «جامعه روحانیون مبارز» برخی از تشکل‌هایی هستند که پس از انقلاب هدایت اخلاقی و ارشاد حاکمیت را به عهده داشته‌اند.

۱-۱. حاج شیخ عبدالکریم حائری

برای نمونه، اولین گام در اصلاحگری را مرحوم *حاج شیخ عبدالکریم حائری* (۱۲۲۸–۱۳۱۵) با اتخاذ سیاست «مدارا و تذکر» در پیش گرفت. در اصل، دو نوع مواجهه با فضای آن‌روزِ ایشان قابل تصور است: یکی مبارزه مستقیم و درگیری متقابل که ممکن بود منجر به خفقان بیشتر و حذف نظام تشکیلاتی حوزه گردد. دیگری هدایتگری و ارشاد و مقابله غیر مستقیم با شرایط آن‌روز.

اگر این دو امر را دو طرف یک تعارض اخلاقی بدانیم مرحوم *آیت‌الله حائری* گزینه دوم را اخلاقی‌تر و منجر به رشد و هدایت تشخیص داد، گرچه مشهور شده است که *حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری* در سیاست دخالت نمی‌کرد و به تعبیر افراطی برخی، سیاست را از دین جدا می‌دانست؛ ولی حق و انصاف این است که این قضاوت به دور از حقیقت است. حقیقت این است که ایشان بر اساس قانون اهم و مهم، آنچه را به خاطر اسلام برایش اهمیت فراوان قایل بود، دنبال می‌کرد (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، ص ۳۲۰؛ بصیرت‌منش، ۱۳۷۸، ص ۲۴۰).

آیت‌الله حائری در عصری قرار گرفته بود که از آغاز تأسیس حوزه (۱۳۰۰) تا پایان عمر ایشان (۱۳۱۵) عصر استبداد و اختناق و اوج قدرت *رضاخان* بود و *رضاخان* مکرر ایشان را به نابود کردن حوزه علمیه تهدید می‌کرد. گرچه در آن عصر بعضی بر این باور بودند که باید با *رضاخان* مبارزه کرد، هرچند به نابودی حوزه تمام شود؛ ولی اکنون به‌خوبی روشن است که روش *آیت‌الله حائری* درست بوده و بازسازی حوزهٔ علمیهٔ در حقیقت یک مبارزه عمیق فرهنگی با روش و منش *رضاخان* بود و بعدها موجب نابودی برنامه‌های ننگین *رضاخان* گردید.

به هر روی، شواهد گوناگون حاکی است که ایشان طبق وظیفهٔ اخلاقی و شرعی نهی از منکر، اعتراض خود را با بیان و قلم و فرستادن اشخاص آشکار می‌ساخت. نمونه‌هایی از این موضع‌گیری را برخی از نویسندگان این‌گونه ذکر کرده‌اند:

۱. موضع‌گیری در برابر تشکیل دولت اسرائیل؛
۲. موضع‌گیری در برابر مصرف نامشروع اوقاف؛
۳. موضع‌گیری در برابر کشف حجاب؛
۴. برخود با فرماندار ظالم و فاسق؛
۵. مخالفت با جمهوری‌خواهی *رضاخان*؛

۶. عدم حضور در مجلس تاج‌گذاری *رضاخان*؛
۷. اعتراض به اعزام طلاب تهران برای امتحان (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰-۱۰۱).

۲-۱. آیت‌الله سیدنورالدین اراکی (آقانورالدین عراقی)

از دیگر شخصیت‌های تأثیرگذار در حوزه اجتماع، *آیت‌الله سیدنورالدین اراکی*، معروف به *آقانورالدین عراقی* (۱۲۸۱-۱۳۴۱ق) بود. ایشان مقتضیات زمان و موقعیت اجتماعی- سیاسی و شرایط جامعه را در تصمیم‌گیری‌های خود در نظر داشت و به این بعد بسیار اهمیت می‌داد. اعتقاد ایشان بر این بود که کار خوب باید در فرصت مناسب انجام گیرد و اگر در غیر وقتش صورت پذیرد، نتیجه مطلوب نمی‌دهد و بار منفی هم به‌دنبال می‌آورد.

ایشان در برخورد با گروه‌های فکری و افرادی که از لحاظ اندیشه و نگرش با او همفکر نبودند، دیدی وسیع، فکری روشن و بصیرتی ویژه داشت و با دیدی خوش‌بینانه و صمیمانه به واقعیت‌ها می‌نگریست و هنگام بروز اختلاف بین دانشمندان، حسن نیت و پاکی طینت و وسعت نظر را مد نظر قرار می‌داد و بر این اساس به داوری می‌پرداخت. این ویژگی موجب می‌شد که آن دو گروه مخالف از لحاظ فکری به هم نزدیک گردند و بر فرض تفاوت در برداشت و نگرش، وفاق و حسن ظن را در نظر بگیرند و بر اساس عقاید موهوم و تفکرات عبث و نفرت‌های بیجا، همدیگر را طرد نکنند (نعیمی اراکی، ۱۳۷۴، ص ۴۸-۴۹).

آقانورالدین به سبب کمالات معنوی و پیمودن مسیر حق و انس با مردم، پایگاه اجتماعی مهمی در اراک و توابع استان مرکزی داشت و اقشار گوناگون مردم تکریم ایشان را وظیفه خود می‌دانستند. به سبب همین پایگاه مردمی و مذهبی خاصی که ایشان داشت، سران دولتی و نظامی حکومت وقت درباره اصلاح امور اراک در تنگناها به او مراجعه می‌کردند و اگر می‌خواستند برای حفظ امنیت و ثبات شهر، مردم را به همکاری فرابخوانند، از نفس گرم و مؤثر این مجتهد والامقام استمداد می‌طلبیدند (کسروی، ۱۴۰۱، ص ۳۶۸-۳۶۷).

۳-۱. شیخ حسن فرید گلستانی

شیخ حسن فرید گلستانی (۱۳۱۹-۱۳۶۹ق) در متن جامعه بود و برای اسلام و مسلمانان دل می‌سوزاند. هر حادثه‌ای که برای اسلام و مسلمانان رخ می‌داد، ایشان خود را بی‌طرف حساب نمی‌کرد. دلیل این مطلب اعتراض ایشان به تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی است. یکی از خدمات اجتماعی و ارزشمند علمی ایشان اهدای قریب ۲۰۰ جلد کتاب به «کتابخانه حضرت آیت‌العظمی گلپایگانی» است که قابل استفاده طلاب و محققان است. همچنین ایشان در ساخت چندین مسجد نقش مهمی داشت. یکی از مساجدی که مستقلاً به دستور ایشان تجدید بنا شد، «مسجد علوی» است (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۴۴۵-۴۴۸).

۲. حفظ شعائر اسلامی و دفاع از دین

همواره نمادهای دینی نشانگر جریان داشتن مذهب یا حیات دینی است، به‌ویژه آنکه چنین نمادها و شعائری در

بردارنده روح اجتماعی و پیوند مؤمنان با یکدیگر باشد. در یکصد ساله اخیر، حفظ حیات دینی و نمادهای اسلامی همواره درگرو شجاعت و ایستادگی علمای حوزهٔ علمیهٔ بوده است. اصرار ایشان بر حفظ این شعائر، به‌ویژه شعائر اجتماعی، همچون جهاد، حج، حجاب، امر به معروف، عزاداری‌های حسینی، نماز جمعه و نماز جماعت نشانگر روح آزاده و نفوس شجاع و بیدار علمای حوزه علمیه قم است که در نهایت، زمینه‌ساز شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی گردید.

۱-۲. آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

از کسانی که با سیاست‌های منع عزاداریِ *رضاشاه* مخالفت می‌کرد، مرحوم *آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی*، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم بود. ایشان در مقابله با سیاست‌های ضداسلامی رژیم *رضاشاه* هیچ‌گاه توسل به ائمه اطهار﵈ و برپایی سنتِ عزاداری حضرت سیدالشهداء﵇ و روضه‌خوانی را تعطیل نکرد. علاوه بر روضه که هر شب جمعه و دههٔ اول محرم به برگزاری آن اهتمام می‌ورزید، هر روز قبل از شروع درس، یکی از شاگردان ایشان (*حاج‌آقا جواد قمی* یا *شیخ ابراهیم صاحب‌الزمانی*) ذکرِ توسلی به امام حسین﵇ می‌نمود.

آیت‌الله حائری در هنگام درس نیز شاگردان را به توسل توصیه می‌کرد. از جمله عزاداری‌ها و سوگواری‌هایی که ایشان در ایران رایج کرد، عزاداری ایام فاطمیه بود (ر.ک. فولادی‌پناه و کبیری، ۱۳۹۷).

۲-۲. آیت‌الله محمدعلی شاه آبادی

نمونه دیگر در زمان *رضاخان*، در تهران توطئه کردند که نماز جماعت مساجد را تعطیل کنند. در مسجد جامع که ائمه جماعت متعددی داشت، هریک به بهانه‌ای نیامدند؛ یکی به مسافرت رفت، دیگری مریض شد،... اما *آیت‌الله شاه‌آبادی* (۱۲۵۱–۱۳۲۸) برای نماز عازم مسجد شد. آن روز به جای مردم نمازگزار، عده‌ای قزاق در مسجد مستقر شده بودند. در راه مسجد، یکی از مریدهای آقا به ایشان می‌گوید: قزاق‌ها به مسجد ریخته‌اند. آقا می‌گوید: خب، قزاق ریخته باشد! و وارد مسجد می‌شود.

یکی از افراد دولتی با لباس شخصی جلو می‌آید و به آقا می‌گوید: آقا، مگر نمی‌دانید نماز تعطیل است؟! آقا در حالی که حتی سرشان را بلند نکرده بود که او را نگاه کند، به او می‌گوید: برو بگو گنده‌تر از تو بیاید!

قزاق می‌گوید: من بزرگ‌تر هستم. آقا می‌فرماید: اگر با تو حرف بزنم بعداً کس دیگری نیست اعتراض کند؟

می‌گوید: خیر؟ آقا می‌فرماید: اینجا کجاست؟ جواب می‌دهد: تهران.

آقا می‌گوید: نه، اینجا که ایستاده‌ای و با تو صحبت می‌کنم، کجاست؟ پاسخ می‌دهد: مسجد.

آقا می‌گوید: من کی هستم؟ می‌گوید: پیشنماز.

آقا می‌فرماید: مملکت چه مملکتی است؟ می‌گوید: ایران. می‌پرسد: ایرانی دینش چیست؟ جواب می‌دهد: اسلام.

سؤال می‌کند: شاه چه دینی دارد؟ نمی‌توانست بگوید: مخالف قرآن و نماز و اسلام است، می‌گوید: شاه مسلمان است.

ایشان می‌فرماید: هروقت شاه گبر شد و اعلام کرد که من کافرم و یا یهودی و یا نصرانی هستم و بالای سر این مسجد ناقوس زدند، من که پیشنماز مسلمانان هستم، می‌روم در مسجد مسلمانان نماز می‌خوانم. ولی مادام که اینجا ناقوس نزدند و شاه هم اعلام گبر بودن و کفر نکرده، من پیشنماز مسلمانان باید اینجا نماز بخوانم.

پس از گفت‌وگو وارد شبستان می‌شود و با اینکه کسی برای نماز در مسجد نبود، داخل محراب به نماز می‌ایستد. یکی از نمازگزاران که ایشان را می‌بیند، در مسجد فریاد بلند می‌کند: «الصلاه!» مردم هم که نمازگزار بودند، به وجد می‌آیند و مشتاقانه به مسجد هجوم می‌آورند و بساط شاه و قزاق‌ها به هم می‌خورد (ر.ک. صرفی‌پور، ۱۳۹۰).

۳-۲. میرزاصادق‌آقا تبریزی

برخی دیگر از علما نیز با سیاست منع عزاداریِ رژیم پهلوی در این دوره به مبارزه می‌پرداختند که از آن جمله می‌توان به فعالیت‌های *میرزاصادق‌آقا تبریزی* (۱۲۲۷–۱۳۱۱) اشاره کرد. او که در جریان مبارزات ضددینی رضاشاه تبعید شده بود، پس از رفع تبعید، از مراجعت به تبریز خودداری کرد و در قم اقامت گزید و در مدت اقامتش در این شهر، مخفیانه به مبارزات خود ادامه می‌داد. هنگامی که *میرزاصادق‌آقا تبریزی* در قم بود، پول زیادی به دستش می‌رسید. او هم این پول‌ها را با عناوینی همچون پول قند و چای به روستاهای اطراف قم می‌فرستاد تا در آنجا روستاییان به دور از چشم مأموران حکومتی، به برگزاری مجالس عزاداری سالار شهیدان﵇ اهتمام ورزند (ر.ک. فولادی‌پناه و کبیری، ۱۳۹۷).

۴-۲. آیت‌الله سیدعبدالله بلادی بوشهری

از دیگر شخصیت‌هایی که در مبارزه با پهلوی اول، مجالسِ باشکوه عزاداری برپا نمود، *آیت‌الله بلادی بوشهری* (۱۲۵۱–۱۳۳۱) است. ایشان با وجود پیری، در روزهای عزاداری، به‌ویژه در ایام عاشورا، شخصاً بر منبر می‌رفت و به ذکر مصیبت می‌پرداخت. روضهٔ روز عاشورای ایشان چهار ساعت به طول می‌انجامید و در این مدت به بیان فلسفهٔ نهضت حسینی و رویدادهای عاشورا با زبان فصیح و با استفاده از اشعاری که خود سروده بود، می‌پرداخت. این مجالس در سرتاسر بوشهر زبانزد بود و هزاران تن در آن شرکت می‌کردند.

مسئله مبارزه با عزاداری‌ها در پنج سالِ آخر عمر حکومت پهلوی اول، با جدیت تمام دنبال می‌شد و از هر ترفندی برای جلوگیری از عزاداری‌ها، در همهٔ انواع آن استفاده می‌شد. این وقایع نشان‌دهنده آن است که مجالس روضه و توسل به ائمه اطهار﵈ و به‌ویژه مجالس سوگواری امام حسین﵇ چه قدرتی در مخالفت با اقدامات و سیاست‌های ضددینی رضاشاهی داشت و تا چه حد *رضاشاه* از این مجالس وحشت می‌کرد و در پی سرکوب آنها برمی‌آمد (همان).

این رسالت تا پس از انقلاب نیز تداوم یافت و انقلاب اسلامی به‌عنوان نماینده اسلام سیاسی، یکی از

تلاش‌هایش حفظ شعائر مذهبی و دینی بود، تا جایی که حضرت امام راحل﵀ که بانی و معمار انقلاب اسلامی بود، به صراحت نسبت به این مهم گوشزد کرد. ایشان درباره روضه‌خوانی به‌مثابه یکی از شعائر دینی فرمود:

«امروز ما دیگر انقلاب کردیم، روضه دیگر لازم نیست!» از غلط‌هایی است که تو دهن‌ها انداختند. مثل این است که بگوییم: «امروز ما انقلاب کردیم، دیگر لازم نیست نماز بخوانیم!» انقلاب برای این است: انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم، نه انقلاب کردیم که شعائر را بمیرانیم (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۱۵۶).

ایشان مسئله عاشورا را که علمای پیش از انقلاب بر حفظ آن مراقبت داشتند، یکی از شعائر می‌داند و می‌فرماید:

...این مظاهر و مشاعر و اموری که در اسلام به آن سفارش شده، باید فکر کنید که اینها یک مسئلهٔ سطحی نبوده است... خیر! ما ملت گریهٔ سیاسی هستیم؛ ما ملتی هستیم که با اشک‌ها، سیلْ جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است (همان، ص ۱۵۸-۱۵۶).

حضرت امام بر جمعه و جماعات و اعیاد نیز به‌منزله شعائر دینی تأکید می‌ورزید:

این مجالس را حفظ کنید. همهٔ مجالس که اجتماعات دینی هست، اجتماعات اسلامی هست، اینها اسلام را در قلوب ما زنده نگه می‌دارند. جماعات را حفظ کنید. جمعه را حفظ کنید. اعیاد اسلامی را؛ شعائری که در آن هست حفظ کنید و مجالس عزا را با همان شکوهی که پیش‌تر انجام می‌گرفت و بیشتر از او حفظ کنید (همان).

۳. خدمات و اقدامات عام‌المنفعه

فعالیت‌های اجتماعی حوزه علمیه صرفاً در تبلیغ و خیرخواهی و برپاداشتن شعائر دینی و مبارزه با مفاسد اجتماعی خلاصه نمی‌گردد. روحانیت در این یکصد سال اخیر، همواره تلاش کرده است تا باری از اقشار محروم جامعه بردارد و در کشاکش مصیبت‌ها و مشکلات در کنار مردم باشد. تشکیل گروه‌های جهادی در حوزهٔ علمیهٔ قم و گسیل آنها به مناطق محروم، نمونه‌ای از این تلاش‌های اجتماعی و عام‌المنفعه است. در گذشته نیز چنین کارهایی همواره در دستور کار علمای حوزهٔ علمیهٔ قم بود.

۱-۳. آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری

با اقامت *آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری* در قم، بنیان حوزهٔ علمیهٔ قم نیز نهاده شد و با گام‌های بزرگی که ایشان برداشت، این حوزه به‌تدریج رشد کرد و در ردیف بزرگ‌ترین حوزه‌های علمیه جهان تشیع درآمد. البته ایشان کسی نبود که در مقام فقاهت و رسیدگی به امور دینی، دیگر مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه را به فراموشی بسپارد. ایشان در حالی که بر مسند مرجعیت تکیه زده بود و استوارترین انسان عصر خود به‌شمار می‌رفت، نسبت به مشکلات و نیازهای مردم محروم، بی‌توجه نبود؛ مثلاً، در حادثه سیل ۱۳۳۳ قم که خسارت بسیاری به مردم وارد شد و بیشتر خانه‌ها خراب شد و مردم را بی‌خانمان کرد، اقدامات ارزشمندی انجام داد؛ با ارسال پیام به سایر شهرهای ایران، خواستار کمک شد که در نتیجه کمک‌های زیادی از سراسر کشور روانه قم گردید.

ایشان همچنین در جهت رسیدگی به این مهم، قطعه زمین وسیعی را در اراضی «معصوم‌آباد» که متعلق به

آستان حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه﵄ بود، خریداری کرد و با کمک دیگر اقشار جامعه، خانه‌هایی منطبق با اصول مهندسی وقت، به‌منظور اسکان آوارگان بنا نهاد.

از دیگر خدمات اجتماعی ایشان می‌توان به تأسیس «خانه فقرا» اشاره کرد. در روزگاری که تعدادی از مردم در خیابان‌های قم زندگی خود را با تکدیگری می‌گذراندند، ایشان محلی را به «خانه فقرا» اختصاص داد و مستمندان شهر را در آن مکان گرد آورد و بدین‌سان صدقات و کمک‌های مالی مردم را در مسیری صحیح، صرف اداره امور آنان کرد.

«بیمارستان فاطمی قم» به پیشنهاد *آیت‌الله حائری* و با مساعدت یکی از مؤمنان خیراندیش به نام *سیدمحمد فاطمی* تأسیس شد.

از دیگر خدمات *آیت‌الله حائری* انتقال قبرستان قم به خارج از شهر است. در آن روزها قبرستان بزرگ قم در جوار درب شمالی حرم مطهر حضرت معصومه﵄ قرار داشت و چهره ناخوشایندی به بافت قدیمی شهر داده بود. ایشان در این زمینه نیز گام ارزشمندی برداشت و در آن سوی رودخانه که آن روزها خارج از شهر محسوب می‌شد، زمین وسیعی را خریداری کرد و آن را قبرستان عمومی شهر قرار داد (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۳).

۲-۳. آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی

نمونه دیگر چنین خدمتی در اوایل سده ۱۳ شمسی توسط مرحوم *آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی* (۱۳۰۹-۱۴۰۵ق) انجام شد. از جمله خدمات اجتماعی ایشان عبارت است از:

۱. تأسیس حوزهٔ علمیهٔ آیت‌الله العظمی شیرازی در نجف اشرف در سال ۱۳۷۳ق؛

۲. تأسیس «مدرسهٔ علمیهٔ طاهریه» در نجف اشرف در سال ۱۳۸۳ق؛

۳. تأسیس دبستان پسرانه اسلامی «المدرسة الابتدائیة الطاهریة» در نجف اشرف در سال ۱۳۸۶ق؛

۴. تأسیس «مسجد طاهری» در نجف اشرف در سال ۱۳۸۶ق؛

۵. تأسیس «کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی شیرازی» در نجف اشرف در سال ۱۳۸۸ق؛

۶. تأسیس مجتمع مسکونی در کوی طلاب علوم دینی در نجف اشرف؛

۷. تأسیس «حسینیه طاهریه» در شهر کوفه؛

۸. تأسیس «مدرسهٔ علمیهٔ امام امیرالمؤمنین﵇» در مشهد مقدس در سال ۱۳۹۶ق؛

۹. تأسیس «درمانگاه آیت‌الله العظمی شیرازی» ویژه طلاب حوزهٔ علمیهٔ مشهد در سال ۱۳۹۶ق؛

۱۰. تأسیس «کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله العظمی شیرازی» در مشهد در سال ۱۳۹۷ق؛

۱۱. تأسیس «مسجد حضرت ابوالفضل﵇» مشهور به «مسجد آیت‌الله العظمی شیرازی» در کوی طلاب مشهد در سال ۱۴۰۱ق؛

۱۲. تأسیس «حسینیهٔ آیت‌الله العظمی شیرازی» در مشهد در سال ۱۳۰۴ق؛
۱۳. ایجاد ۲۴ واحد مسکونی برای زلزله‌زدگان فیض‌آباد قائنات در سال ۱۴۰۰ق؛
۱۴. ایجاد ۱۳۰واحد مسکونی برای زلزله‌زدگان طبس در سال ۱۳۹۹ق؛
۱۵. ایجاد بخش عظیم جراحی در «بیمارستان حضرت زهرا﵄»، وابسته به مجلس اعلای شیعیان لبنان در بیروت.

۳-۳. آیت‌الله میرزاجوادآقا تهرانی

از دیگر کسانی که چنین خدماتی را به مردم ایران داشته‌اند، مرحوم آیت‌الله *میرزاجوادآقا تهرانی* (۱۲۸۳–۱۳۶۸ق) است. از جمله خدمات اجتماعی ایشان، رسیدگی به امور اجتماعی و بینوایان بود. ازاین‌رو اولین مرکز خیریه درمانی به نام «درمانگاه خیریه بینوایان» با اشاره و مساعدت ایشان و جمعی از دوستان پزشک وی در سال ۱۳۴۴ در شهر مقدس مشهد تأسیس و راه‌اندازی شد.

نخستین صندوق قرض‌الحسنه ایران در سال ۱۳۴۲ در مشهد آغاز به همت ایشان شروع به کار کرد. این مؤسسه دارای فروشگاه تعاونی و کتابخانه نیز بود. ایشان هرجا لازم بود از ارسال نامه و یا تلفن برای رفع مشکل مردم دریغ نمی‌کرد (همان، ج ۳، ص ۴۱۳ و ۴۷۱).

۴-۳. حاج شیخ‌مهدی حائری تهرانی

حاج شیخ‌مهدی حائری تهرانی (۱۳۱۲–۱۳۹۷) یکی از مفاخر علمای تهران به شمار می‌رفت. ایشان در قم به ایجاد کتابخانه، تألیف و تحقیق، انتشار مجلات دینی، نوسازی اماکن قدیمی، فراهم نمودن امکانات آموزشی و رفاهی برای طلاب پرداخت. برخی از خدمات ایشان در قم عبارت است از:

۱. تأسیس کتابخانه مهم و کم‌نظیر مدرسه حجتیه (۱۳۳۰)؛
۲. شرکت در تأسیس «مدرسه علمیه حقانی» (۱۳۴۱)؛
۳. ایجاد طبقه دوم «مدرسه علمیه رضویه»؛
۴. مدیریت و شرکت در تأسیس «دبیرستان دین و دانش»؛
۵. تأسیس «دبستان نمونه دخترانه»؛
۶. تأسیس «کتابخانه سیار حائری تهرانی»؛
۷. ساخت «بنیاد فرهنگی امام المهدی (۱۳۵۰)»؛
۸. تأسیس مجتمع تجاری «امام المهدی»؛
۹. چاپ و نشر کتاب‌های دینی؛
۱۰. تأسیس و راه‌اندازی آشپزخانه و خویش‌یار (سلف سرویس) در مدرسه فیضیه و حجتیه؛

۱۱. اعزام مبلّغ به روستاهای قم و تهران؛
۱۲. تأسیس کتابخانه «مدرسه دین و دانش» قم؛
۱۳. کاشیکاری نمای مرقد «علی بن بابویه» و «مدرسه رضویه» قم.

ایشان در سال ۱۳۵۵ به تهران مهاجرت کرد و به خدمات دینی و علمی خود ادامه داد؛ از جمله شرکت در هیأت امنای بنیادهای خیریهٔ و عام‌المنفعه، مثل «مؤسسه خیریهٔ حضرت سجاد﵇»؛ «مجتمع بهزیستی حضرت علی﵇»؛ «مؤسسه احیای مدارس استثنایی»؛ «بنیاد فرهنگی امام المهدی﵇» (که علاوه بر قم و تهران، در مشهد و شهرهای دیگر نیز شعبه دارد)؛ «شورای عالی مشارکت مردمی سازمان بهزیستی»؛ «دانشکده الهیات و معارف اسلامی» واحد شمال تهران؛ و گره‌گشایی از کار مردم مسلمان (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۵).

۳-۵. آیت‌الله شهید حسین غفاری

از جمله علمایی که دست به چنین خدماتی زدند *آیت‌الله شهید حسین غفاری* (۱۳۳۵-۱۳۹۴ق) است. خدمات اجتماعی ایشان منشأ خیرات و خدمات بسیاری در زمینه‌های اجتماعی بود. ایشان در سه دوره متفاوت حیات خود، از جمله نوجوانی در آذرشهر، بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ در قم و از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۳ در تهران، اقدامات فراوان و مفیدی انجام داد؛ از جمله: احداث و تکمیل مساجد «خاتم الاوصیاء»، «الهادی»، «شیخ فضل‌الله نوری» در تهران و رسیدگی به محرومان و مستضعفان در تبریز، تهران و قم (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۳۳).

۳-۶. آیت‌الله حاج سیدمحدرضا موسوی گلپایگانی

آیت‌الله حاج سیدمحدرضا موسوی گلپایگانی (۱۲۷۸-۱۳۷۲) یکی از برترین عالمان دین و از بزرگ‌ترین مراجع تقلید جهان تشیع به‌شمار می‌رفت. از جمله خدمات اجتماعی ایشان، عبارت است از: تأسیس «دارالقرآن الکریم»، احداث بیمارستان، کتابخانه، «مجمع جهانی اسلامی» در لندن، «مرکز معجم المسائل الفقهیه»، بنای مسجد، «بعثه حج» (ویژه ایام حج در مکه)، مدرسه معظم و شکوهمند در قم، تأسیس «دارالایتام»، «مؤسسه خیریه حضرت ولی عصر﵇».

۳-۷. آیت‌الله علی مشکینی

آیت‌الله علی مشکینی (۱۳۰۰-۱۳۸۶) یکی از شخصیت‌های برجسته معاصر، فقیه و معلم اخلاق در روزگار ما بود. برشمردن خدمات مردی که بیش از نیم قرن عمر خود را در پاسداری از اسلام و ارزش‌های انسانی و اسلامی سپری ساخته، مشکل است. این مرد بزرگ از جمله کسانی است که عمر ارزشمند و گرانبهای خود را وقف اسلام و ارزش‌های دینی کرد. درِ خانه محقر ایشان همواره به روی هر نیازمندی باز بود. تأسیس «مدرسه الهادی»، «بیمارستان الهادی» و مصلای بزرگ قدس قم از جمله خدمات ایشان است (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۵۸۱).

۳-۸. آیت‌الله سیدعلی سیستانی

از دیگر شخصیت‌هایی که می‌توانیم در زمره یاریگران اجتماعی برشماریم فقیه معاصر *آیت‌الله سیدعلی سیستانی* (۱۳۰۹ تا کنون) است. از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان، تأسیس مراکز علمی و تحقیقاتی است؛ مثل «مرکز تحقیقات اسلامی المصطفی»؛ «مؤسسه برنامه‌ریزی کامپیوتری امام رضا﵇»؛ «مؤسسه بررسی‌های فلکی و نجومی»، «مرکز احیای میراث اسلامی»؛ همچنین احداث کتابخانه‌های تخصصی متعدد، از جمله: کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی، کتابخانه تاریخ، کتابخانه فلسفه و کلام؛ نیز احداث مراکز خدمت‌رسانی که این مراکز در قم به چند بخش تقسیم می‌شود: الف. تأمین مسکن طلاب؛ ب. درمانگاه خیریه؛ ج. کمک به نیازمندان (همان، ج ۶، ص ۴۹۵-۴۹۷).

۳-۹. آیت‌الله جواد فومنی حائری

مرحوم *آیت‌الله جواد فومنی حائری* (۱۲۹۱-۱۳۴۳) نیز از جمله خادمان اجتماعی مردم قلمداد می‌گردد. از جمله اقدامات اجتماعی ایشان عبارت است از: تأسیس «مسجد نو» در قم؛ تأسیس دبستان دخترانه هماهنگ با دستورات کاملاً دینی؛ تأسیس اولین کودکستان تربیت دینی؛ تأسیس دبستان نو ویژه پسران؛ و تأسیس شرکت تعاونی به‌منظور تأمین نیازهای مالی (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷، ص ۱۸-۲۲).

۳-۱۰. آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (۱۳۰۴-۱۳۹۵) از عالمانی است که خدمات اجتماعی قابل توجهی ارائه داد. خدمات اجتماعی ایشان محرومیت‌زدایی بود. ایشان برای جلوگیری از فقر، به ساخت کارخانه در شهرستان محروم اردبیل اقدام کرد. پس از بررسی و تحقیق، اشخاصی برای جمع‌آوری انفاقات و صدقات مستحب تعیین شدند و مقرر گردید مرکزی برای آموزش صنایع دستی به تهیدستان و فروش محصول کار آنان به بازار و تخصیص درآمد حاصل شده به خودشان ایجاد شود (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۴۶۱).

۳-۱۱. شیخ محمدمهدی شمس‌الدین

یکی از نادره مردانی که علم و فقاهت را با جهاد و استقامت درهم آمیخت *شیخ محمدمهدی شمس‌الدین* (۱۳۱۲-۱۳۷۹) بود. وی کلید حل مشکلات سیاسی لبنان و ملجأ عموم شیعیان آن کشور به‌شمار می‌رفت. او در کنار کارهای علمی و سیاسی‌اش، موفق شد تا بنیادها و مؤسسات خیریه و علمی متعددی در آنجا بنا نهد؛ مانند «مسجد امام صادق﵇»؛ هنرستان فنی بیروت؛ دانشگاه اسلامی لبنان؛ «جمعیت خیریه حضرت زینب﵄»؛ مدرسه علمیه و مجتمع خدماتی. ایشان بسیاری از جوانان شیعه لبنانی را با علوم و فنون روز آشنا ساخت.

۴. اصلاحگری اجتماعی و تواصی به خیر

اصلاحگری اجتماعی در شرایطی که حاکمیت به سمت نفاق و گناه سوق یافته، از جمله تلاش‌های روحانیت قبل از

انقلاب اسلامی است. این اصلاحگری از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۸ همواره در دستور کار علمای حوزه علمیه قم بوده است. این مسئله از زمان مرحوم *آیت‌الله حائری* تا اکنون نیز ادامه دارد.

۱-۴. آیت‌الله حاج‌شیخ‌عبدالکریم حائری

مرحوم *آیت‌الله العظمی آقاجمال گلپایگانی* می‌فرمود: من با آقای *حاج‌شیخ‌عبدالکریم حائری* سوار قطار بودیم و ایشان می‌خواست از سامراء به ایران بیاید. من به ایشان گفتم: شما از کسانی هستید که بعد از *آیت‌الله میرزامحمدتقی شیرازی* (*میرزای دوم*) به‌عنوان مرجع مطرح هستید؛ چرا به ایران می‌روید؟ ایشان فرمود: من نمی‌خواهم مرجع شوم، می‌خواهم بروم ایران اگر از دستم برآید خدمتی به اسلام و مسلمانان بکنم.

ایشان در ماجرای کشف حجاب فرمود: «تا پای جان باید ایستاد و من هم می‌ایستم. ناموس است، حجاب است، ضرورت دین و قرآن است».

آیت‌الله حائری در ماجرای کشف حجاب، به نشانه اعتراض به *رضاخان*، درس خود را تعطیل کرد و نماز جماعت خود را ترک نمود. این کارها نشان می‌داد که ایشان با شیوه‌های گوناگون، نارضایتی و اعتراض خود را به *رضاخان* نشان می‌داد. ازاین‌رو *رضاخان* کینه ایشان را به دل گرفت (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۷۶ و ۹۰).

۲-۴. آیت‌الله شیخ‌محمد کوهستانی

آیت‌الله شیخ‌محمد کوهستانی (۱۳۰۸-۱۳۹۲ق) از نمونه‌های چنین خدماتی است. یکی از خدمات اجتماعی ایشان مبارزه با فساد بود. ایشان از مفاسد روزافزن اجتماعی و حرکت‌هایی که سقوط اخلاقی اجتماع را به‌دنبال داشت، سخت آزرده‌خاطر می‌شد. در زمان طاغوت، در شهر نکا، شخصی در پی احداث ساختمان برای سینما برآمد. در آن زمان، سینما لانه فساد بود. به همین خاطر، *آیت‌الله کوهستانی* بانی ساختمان را فراخواند و با شیوه شایسته اسلامی او را منصرف ساخت و در نتیجه، ساختمانی را که برای ترویج منکرات آماده می‌شد، به مسجد تبدیل کرد و بانی ساختمان به مناسبت اینکه چنین توفیقی را به‌دست آورده بود، نام مسجد را «توفیق» نهاد (ربانی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۸-۲۵۹).

۳-۴. آیت‌الله حاج شیخ احمدانصاری قمی

حاج شیخ احمد انصاری قمی (۱۲۹۷-۱۳۵۹) یک از علمای مشهور نجف اشرف به‌شمار می‌رفت. ایشان همت والایی در تشویق مردم به ایجاد بناهای خیریه داشت. از نمونه‌های مشهود آن در قم تعمیر «مسجد امام حسن عسکری﵇» و «مسجد جامع» است. ایشان هر شب در مسجد امام بر منبر می‌رفت و مردم را برای آبادی مسجد تشویق می‌کرد. پس از چند شب، به آجرپزها دستور داد تا هر شب یک ماشین آجر و قزافی و نظامی در مدخل ورودی مسجد بریزند و در منبر گفت: هرکس وارد مسجد می‌شود یک آجر با خود بیاورد و بدین‌سان هر شب چند ماشین مصالح ساختمانی وارد مسجد می‌شد.

یک از محلات قم به نام «کوچه حاج زینل» بدون مسجد بود. ایشان در منبر پرسید: نام اینجا چیست؟ گفتند: «کوچه حاج زینل». ایشان پسران آن مرحوم را تشویق کرد مسجدی بزرگ ساختند که اکنون هم برپاست (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۹).

۴-۴. آیت‌الله محمدتقی بهجت فومنی

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی درباره *آیت‌الله محمدتقی بهجت* می‌گوید:

شاید کسانی که دورادور ایشان را فقط در حال عبادت و نماز یا درس دیده باشند، فکر می‌کنند آقای بهجت به مسائل سیاسی و اجتماعی توجهی ندارد. بنده عرض می‌کنم که بزرگ‌ترین مشوق بنده، لااقل در پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی، ایشان بود و به‌صورت‌های مختلف به دوستان و کسانی که درس شرکت می‌کردند، سفارش می‌کردند که به این‌گونه مسائل اهمیت بدهند و اشاره می‌کردند که اگر کسانی که تقید به مسائل معنوی و علمی دارند، به این کارها نپردازند، روزگاری می‌آید که جوّ سیاست و اجتماع به دست نااهلان می‌افتد و آنان جامعه اسلامی را از مسیر خود منحرف می‌کنند. ایشان حتی گاهی یک پیغام‌های خاصی برای حضرت امام در ارتباط با همین مسائل سیاسی می‌دادند که یک مورد از این پیام‌ها را بنده با یکی دیگر از دوستان، واسطه در رساندن به حضرت امام بودیم (رخشاد، ۱۳۹۰، ص ۶۶).

۵. عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم

اقدام عملی در مواجهه با فساد و بی‌اخلاقی از جمله تلاش‌های مؤثراخلاقی حوزه است که بیشترین نمود را در عملکرد روحانیت دارد، تا جایی که این نوع مبارزه و مقابله با فساد منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید. این رویکرد اجتماعی- سیاسی به حوزه مرهون تلاش‌های علمای راستین، از جمله حضرت *امام خمینی*ﷺ است.

۱-۵. امام خمینیﷺ

سیدروح‌الله موسوی خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸) باورش این بود:

مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم و ستمکاران و ظلم جنایت‌پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگر نه این است که علما حجت پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است، نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخوران را بشکنند و با بصیرت و سیاست چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص ۳۳۸-۳۳۹).

حضرت امام اهتمام داشتند به اینکه روحانیت و حوزهٔ علمیهٔ به انزوا نروند و نسبت به مسائل سیاسی- اجتماعی غفلت نورزند. بیشترین مبارزاتی که می‌توان در این یکصدساله اخیر از آن یاد کرد، مبارزه با نظام شاهنشاهی و ظلم حاکمیت بوده است که تحت هدایت حضرت امام اتفاق افتاد.

البته در این میان اصلاحگری و هدایت‌بخشی و نیز ارشاد و موعظه حاکمیت نیز در دستور کار علمای حوزه قرار داشت که گزارش آن گذشت. ولی اوج این حرکت اصلاحگرایانه را می‌توان در مبارزات عملی با ارکان ظلم ملاحظه نمود. این مبارزه در تمام نقاط ایران قابل رصد است.

۵-۲. شهید محمدجواد باهنر

در تهران شخصیتی مثل *شهید محمدجواد باهنر* (۱۲۱۲-۱۳۶۰) با سخنرانی‌های آموزنده و منبرهای پربار خویش، به معرفی چهره رژیم شاه پرداخت. ایشان در تهران با «هیأت مؤتلفه» آشنا شد. این گروه مبارزات شدیدی علیه رژیم داشتند. پس از ترور *حسنعلی منصور* (۱۳۰۲-۱۳۴۳) عده‌ای از آنان دستگیر شدند. *شهید باهنر* برای نجات آنان تلاش زیادی کرد. در مؤتلفه اول، همکاری ایشان در حد سخنرانی، اعلامیه و کارهای مخفی بود؛ اما در مؤتلفه دوم، عده‌ای از نیروهای کشف‌نشده آنان را جمع کرد و سازمان مزبور را تجدید بنا نمود که به علت وجود عامل نفوذی، هنگام انتشار اولین اعلامیه، بازداشت شد (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۱۰).

۵-۳. آیت‌الله محمدابراهیم اعرافی

در شهرهایی همچون یزد نیز کسانی مثل *آیت‌الله محمدابراهیم اعرافی* (۱۲۸۸-۱۳۷۱) در جریان مبارزه مردم علیه رژیم ستمشاهی *پهلوی* و پیروزی انقلاب اسلامی، پیشوایی مردم میبد را عهده دار بودند. ایشان در نماز جمعه‌ها و منبرها و همچنین صدور اعلامیه به افشاگری علیه رژیم *پهلوی* می‌پرداخت و به همین سبب چند بار دستگیر شد. وی در راهپیمایی‌ها و تظاهرات علیه شاه، پیشاپیشِ همه حرکت می‌کرد و هراسی به دل راه نمی‌داد. حادثه ۱۹دی ۱۳۵۶ و شهادت مردم قم تأثیر شگرفی بر ایشان گذارد. در پی آن ایشان بر منبر رفت و علیه رژیم فاسق *پهلوی* به افشاگری پرداخت. وی علنی به شاه و دستگاه حکومت فاسق وی می‌تاخت و می‌گفت:

مردم را می‌کشند و می‌گویند: «آریامهر»! مهرش کجا بود؟ هر روز خون مردم را می‌ریزند. اگر قابل هستند خدا هدایتشان کند، اگر نه، خدا مستأصل و نابودشان کند (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲).

در سال ۱۳۵۶ش که مبارزات ملت مسلمان ایران به رهبری حضرت *امام خمینی*ﷺ به اوج خود رسید، *آیت‌الله اعرافی* در معیت روحانیت مبارز استان یزد، به فعالیت‌های انقلابی و نقش تاریخی خود، عمق و سرعت بیشتری بخشید و در رهبری و هدایت مردم کوشید (همان).

۵-۴. آیت‌الله میرزا علی فلسفی

از جمله فعالیت‌های سیاسی *آیت‌الله میرزا علی فلسفی* (۱۲۹۹-۱۳۸۴) صدور اعلامیه، تعطیلی کلاس و درس، تحصن، شرکت مستقیم در راهپیمایی‌ها بود (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۹۰).

۵-۵. آیت‌الله سیدمهدی یثربی کاشانی

پس از رحلت مرجع عالیقدر *آیت‌الله بروجردی*، رژیم طاغوت برای کم کردن قدرت و نفوذ روحانیت، تلاش کرد روابط خود را با مراجع تقلید قم، به‌ویژه *امام خمینی*ﷺ تقویت کند. اما با رهنمودهای ایشان مبارزه منفی علیه رژیم در قالب اعتصابات ائمه جماعات مساجد، تشکیل مجالس رسمی و غیررسمی برای اتخاذ تصمیم و مواضع روحانیت و نیز صدور بیانیه‌هایی شروع شد.

در کاشان *آیت‌الله سید مهدی یثربی* (۱۳۰۴–۱۳۸۵) در این مقطع و بعد از وقوع حادثه «مدرسه فیضیه» در خردادماه ۱۳۴۲، در کاشان مجلس سوگواری برپا نمود و اعتراض شدید خود را نسبت به برگزاری جشن‌های منحوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی نیز ابراز کرد. ایشان همچنین با تغییر تاریخ هجری شمسی به تاریخ شاهنشاهی و انتخابات مجلس فرمایشی طاغوت مخالفت ورزید و در سخنرانی‌های خود از مظاهر فساد و عوامل ترویج فرهنگ غرب در کشور –که بیشتر از طریق سینما بود– پرده برمی‌داشت (مدرّسی و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۹۹۴).

۶–۵. شهید آیت‌الله محمدعلی حیدری نهاوندی

شهید آیت‌الله محمدعلی حیدری نهاوندی (۱۳۱۵–۱۳۶۰) همزمان با تحصیل در حوزهٔ علمیه، از توجه به مسائل سیاسی و ستم‌های رژیم پهلوی نیز غفلت نمی‌کرد و آگاه ساختن مردم نسبت به فجایع رژیم را یکی از وظایف مهم خود می‌دانست. بر این اساس، از همان زمانی که *امام خمینی*﵀ مبارزه خود علیه رژیم پهلوی را شروع کرد و پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ش و به دنبال انتشار خبر دستگیری امام راحل که روحانیان و مردم انقلابی قم سراسیمه به خیابان‌ها ریختند و در صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه﵄ اجتماع کردند و با سر دادن شعارهای انقلابی، خواستار آزادی امام شدند، *شهید حیدری* که از این واقعه بسیار متأثر بود، با حضور در میان تظاهرکنندگان به سخنرانی پرداخت و در سخنان انقلابی خود، ضمن بررسی علل قیام مردمی ۱۵ خرداد، شخصیت *امام خمینی*﵀ را معرفی کرد و خطاب به تظاهرکنندگان گفت:

ای مردم مسلمان! اگر حضرت آیت‌الله العظمی خمینی را از میان شما برده‌اند، می‌دانید معنای این کار چیست؟ یعنی قرآن را برده‌اند؛ اسلام و شرف و مذهب را از بین ما برده‌اند.

پس از تبعید امام راحل به ترکیه، رژیم تلاش‌های گسترده‌ای برای محو نام «امام خمینی» و پایان دادن به مبارزات مردم و قیام ۱۵ خرداد آغاز کرد و آن را غائله‌ای محدود و فاقد پایگاه مردمی و مذهبی در داخل و خارج معرفی نمود. در آن دوران اختناق، عالمان، مراجع و روحانیان قم کوشیدند برای از بین بردن رعب و وحشت ایجاد شده و حفظ روحیه انقلابی و مبارزاتی روحانیان، با صدور اعلامیه‌های متعدد، این توطئه را خنثا و یاد و نام *امام خمینی*﵀ را در اذهان مردم و نسل‌های آینده زنده نگه دارند.

شهید حیدری از کسانی بود که در تهیه، تدوین و انتشار این اعلامیه‌ها، نقشی اساسی بر عهده داشت. و در این مسیر بارها دستگیر شد. (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۲۳۸).

۷–۵. آیت‌الله شیخ‌حسین لنکرانی

از مجموع اسناد و گزارش‌های ساواک به‌وضوح پیداست که به‌خاطر مبارزات بی‌امان *آیت‌الله شیخ‌حسین لنکرانی* (۱۲۸۶–۱۳۶۸ق) با رژیم ستمشاهی، از همان سال‌های آغازین سلطنت *محمدرضاشاه*، رفت و آمد و فعالیت‌های ایشان به‌وسیله مأموران امنیتی ساواک همواره تحت نظر بود. بیشتر مذاکرات و اظهارات ایشان در منزل و جاهای دیگر ضبط و گزارش شده است. ایشان از همان روزهای نخستین انقلاب اسلامی به رهبری *امام خمینی*﵀، در همه

عرصه‌ها، مانند ماجرای «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی»، رفراندوم و «انقلاب سفید» شاه حضوری حماسی و مستمر پیدا کرد.

وی در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به اتهام تحریک مردم دستگیر و روانه زندان شد. *آیت‌الله لنکرانی* در این مرحله، مدتی با اندیشمندانی مانند *شهید آیت‌الله مطهری* هم‌سلول بود و این متفکر توانا را به‌شدت تحت تأثیر شخصیت اخلاقی، عرفانی و انقلابی خود قرار داد (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۲۳۸ و ۲۷۱-۲۷۲).

۵-۸. آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی

آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی (۱۲۹۷-۱۴۰۰) و برادر بزرگوارش به مناسبت‌های گوناگون، وفاداری و ارادت قلبی خود را به پیشگاه *امام خمینی*ﷺ اعلام داشتند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مسئولیت‌های سیاسی را بر عهده گرفت که عبارت بود از: شرکت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، عضویت در بین فقهای شورای نگهبان، دبیری شورای نگهبان (همان، ص ۳۹۷-۳۹۸).

۵-۹. آیت‌الله حسن نوری

آیت‌الله حسن نوری همدانی (۱۳۰۴ تا کنون) به لحاظ اینکه شاگرد حضرت *امام خمینی*ﷺ و به ایشان دل بسته بود، از هر حیث، به‌ویژه از لحاظ سیاسی به‌شدت تحت تأثیر آموزه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی قرار داشت. ازاین‌رو در کنار فعالیت‌های علمی عمیق، از ورود به عرصه سیاسی و اجتماعی غفلت نورزید و پیوسته در صفوف مقدّم مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی حرکت کرد و در این راه، از زندان و تبعید نهراسید و همه خطرها را به جان خرید و با توکل بر خدا در مسیر انجام رسالت انقلابی خویش با تمام وجود کوشید (همان، ج ۸، ص ۳۴۵- ۳۴۶).

۵-۱۰. آیت‌الله محمدصادق حائری شیرازی

آیت‌الله محمدصادق حائری شیرازی (۱۳۱۵-۱۳۹۶) قبل از نیمه خرداد ۱۳۴۲ از طریق اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های *امام خمینی*ﷺ با ایشان آشنا شد. او پس از تبعید امام راحل به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ مبارزات آشکار خود را علیه رژیم *پهلوی* و عوامل استکبار جهانی آغاز کرد. وی طی جلسات گوناگونی که برای اقشار گوناگون مردم، به‌ویژه جوانان برگزار می‌نمود، مردم را با مسائل سیاسی روز و نقشه‌های شوم استعمار آشنا می‌کرد و به ترویج برای رهبری و مرجعیت *امام خمینی*ﷺ و تثبیت آن همت گماشت.

ایشان تا سال ۱۳۵۱ فعالیت‌های یادشده را بدون مانع و مزاحمت ادامه داد. در تیرماه همان سال، مزدوران رژیم به جلسات ایشان مشکوک گردیدند و برای وی و شرکت‌کنندگان محدودیت‌هایی فراهم آوردند. برخی از افراد را دستگیر، بازداشت و شکنجه کردند و جلسات ایشان را به تعطیلی کشاندند.

آیت‌الله حائری از آن به بعد چندبار بازداشت، زندانی و تبعید شد. در این دوران از جمله مراکز فعالیت‌های انقلابی و از محورهای مبارزات در شیراز «مسجد شمشیرگرها» بود. ایشان در یکی از خاطرات خود نقل می‌کند:

در این مبارزات سیاسی، خدا از یک‌سو حساب شده ما را تحت فشار قرار می‌داد و از سویی دست ما را می‌گرفت تا از درون پوچ نشویم. یک‌بار که مرا به شکنجه‌گاه بردند، دست‌هایم را از پشت بستند و به آن دستبند قپانی زدند. کیسه‌ای از شن را هم به آن آویختند و مرا وی یک پا نگه داشتند و شکمم را نیشگون گرفتند. من در این حال گفتم: خدایا، تو می‌بینی! وقتی مأمور شکنجه آقای رضوانی که با عده‌ای من را تماشا می‌کرد، این جمله را شنید، پرسید: چه گفتی؟ من آن جمله را تکرار کردم. او همراهانش را از شکنجه‌گاه بیرون کرد و شلاقی را که در دست داشت، به گوشه‌ای پرت و خود را روی مبلی که در آنجا بود، انداخت و با سرافکندگی گفت: تف بر این نانی که ما می‌خوریم! سپس دستبند را باز کرد و از من عذر خواست. از آن به بعد از مریدان من شد و از آن پس هرگاه دستگیر و زندانی می‌شدم، به من توجه داشت (همان، ص ۵۵۶-۵۵۷).

۱۱-۵. آخوند ملا علی معصومی همدانی

آخوند ملا علی معصومی همدانی (۱۲۷۳-۱۳۵۷) یکی از علمای مؤثر در مبارزه با رژیم ستمگر پهلوی بود. تحرکات و تلاش‌های ایشان در زمینه‌سازی برای پیروزی نهضت *امام خمینی*ﷺ در صفحات زرین انقلاب ثبت است. ایشان در یاری رساندن به انقلابیان، تمام همتش را به‌کار گرفت. نمونه‌ای از این تلاش‌ها عبارت است از: طاغوت‌زدایی، هجرت برای آزادی *امام خمینی*ﷺ، نامه به امام راحل (همان، ج ۴، ص ۵۴۵).

۱۲-۵. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی (۱۳۱۲ تا کنون) همپای فعالیت‌های علمی، در صحنه‌های سیاسی- اجتماعی نیز حضور داشته است. توجه ایشان به فعالیت‌های مؤثر و کارساز برای پیشبرد امور اجتماعی و حل معضلات انقلاب اسلامی همواره چشمگیر بوده است. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌طور فعال در مبارزات انقلابی- اسلامی شرکت جست. بر بسیاری از اعلامیه‌ها و تلگرام‌هایی که از سوی علمای حوزهٔ علمیه قم صادر می‌شد، امضای ایشان نیز در ذیل آنها موجود است. در این باره می‌توان به ۱۶ اعلامیه اشاره کرد.

ایشان بارها به ساواک و کلانتری احضار و ممنوع‌المنبر شد. به‌ویژه در آستانه پیروزی انقلاب، نقش رهبری را در مبارزات مردم انقلابی و مسلمان مازندران و آمل برعهده داشت. در آن روزهای خونین و حملات ددمنشانه عوامل رژیم منحوس *پهلوی* به صفوف تظاهرات، ایشان پیوسته در جلوی صفوف مردم حرکت می‌کرد و از این طریق موجبات قوّت قلب مردم آمل و تهییج آنان را بر تشدید مبارزات سیاسی- اسلامی فراهم می‌آورد (همان، ج ۳، ص ۵۸۳).

۱۳-۵. آیت‌الله سیداحمد خسروشاهی

آیت‌الله سیداحمد خسروشاهی (۱۲۹۱-۱۳۵۶) در همان روزهای آغازین شکل‌گیری انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۴۱ به این قافله پیوست و تا پیروزی ملت ایران در برابر سلسله پهلوی در این مسیر قرار داشت. نقش وی در انقلاب اسلامی ایران، رهبری و هدایت این جریان بود. او در کنار *امام خمینی*ﷺ و سایر بزرگان در این جهت از هیچ تلاشی دریغ نورزید.

ایشان در کنار *شهید قاضی طباطبائی* و سایر علمای انقلاب تبریز، نهضت اسلامی را در آذربایجان تقویت کرد و از این طریق در فراگیر ساختن حرکت‌های اسلامی نقش بزرگی ایفا نمود. در سال ۱۳۴۱ در جریان خونین ۱۵ خرداد، وقتی *امام خمینی*ﷺ از نیت تفرقه‌افکنانه رژیم مطلع گردید که درصدد ایجاد اختلاف در بین علما و بدبین ساختن برخی از بزرگان به نهضت است، پیش از هر اقدامی از سوی رژیم، افرادی را به مراکز استان‌ها و شهرهای مهم اعزام کرد و علمای بزرگ را از نیت دولت وقت آگاه ساخت. در این حرکت، مخاطب امام راحل در آذربایجان، *آیت‌الله سیداحمد خسروشاهی* و *آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبائی* (۱۲۴۸–۱۳۲۵) بود که پیام امام توسط *آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی* به علما می‌رسید (همان، ج ۳، ص ۴۸۰–۴۸۱).

۱۴-۵. آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای

آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۱۸ تاکنون) به گفته خودش، از شاگردان فقهی، اصولی، سیاسی و انقلابی *امام خمینی*ﷺ است. اما نخستین جرقه‌های سیاسی و مبارزاتی و دشمنی با طاغوت را مجاهد بزرگ و شهید راه اسلام *شهید سیدمجتبی نواب صفوی* (۱۳۰۳–۱۳۳۴) در ذهن ایشان زد؛ زیرا *نواب صفوی* با عده‌ای از فداییان اسلام به مشهد رفت و در «مدرسه سلیمان‌خان» سخنرانی پرهیجان و بیدارکننده‌ای در موضوع احیای اسلام و حاکمیت احکام الهی و فریب و نیرنگ شاه و انگلیس و دروغگویی آنان به ملت ایران ایراد کرد. بنابراین نخستین حرکت انقلابی ایشان و چند تن از دوستانش در آن سال‌ها علیه استاندار فاسد استان خراسان به نام *مهدی فرخ* (۱۲۶۵–۱۳۵۲) شروع شد؛ زیرا او به شعائر اسلامی اعتنا نمی‌کرد. *آیت‌الله خامنه‌ای* و دوستانش اعلامیه‌ای در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر نوشتند و با پست به اطراف فرستادند (همان، ج ۲، ص ۷۴۰–۷۴۱).

آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۴۱ که در قم بود و حرکت انقلابی و اعتراض‌آمیز *امام خمینی*ﷺ علیه سیاست‌های ضداسلامی و آمریکاپسند *محمدرضا پهلوی* آغاز شد، وارد میدان مبارزات سیاسی گردید و شانزده سال تمام با وجود فراز و نشیب‌های فراوان و تحمل شکنجه‌ها و تبعیدها و زندان‌ها مبارزه کرد و از هیچ خطری نهراسید.

نخستین بار در محرم ۱۳۸۳ق از سوی *امام خمینی*ﷺ مأموریت یافت پیام ایشان را به *آیت‌الله میلانی* و علمای خراسان در خصوص چگونگی برنامه‌های تبلیغاتی روحانیان در ماه محرم و افشاگری علیه سیاست‌های آمریکایی شاه و اوضاع ایران و حوادث قم برساند. ایشان این مأموریت را انجام داد و خود نیز برای تبلیغ، عازم شهر بیرجند شد و در جهت پیام *امام خمینی*ﷺ به تبلیغ و افشاگری علیه رژیم *پهلوی* و امریکا پرداخت. به این علت در نهم محرم همان سال دستگیر و یک شب بازداشت شد و فردای آن روز به شرط آنکه منبر نرود و زیر نظر باشد، آزاد گردید.

با پیش آمدن حادثه خونین ۱۵ خرداد، ایشان را از بیرجند به مشهد آوردند و به بازداشتگاه نظامی تحویل دادند. ده روز در آنجا با سخت‌ترین شرایط شکنجه و آزار زندانی شد و عمّال *پهلوی* بدترین توهین‌ها و تمسخرها را نسبت به ایشان اعمال کردند. ایشان در این باره می‌گوید:

بد نبود! تجربه جدیدی بود. یک دنیای جدیدی بود با ساواک، با بازجویی‌ها و دعواها و اوقات تلخی‌ها، اهانت‌های شدید و خلاصه از ناراحتی‌های مبارزه (همان، ص ۷۴۰-۷۴۱).

نتیجه‌گیری

حوزهٔ علمیهٔ قم در یکصد سال اخیر، فعالیت‌های اجتماعی چشمگیری را در جهات گوناگون دینی، فرهنگی، علمی و رفاه عمومی مردم ایران مبذول داشته است. این خدمات را می‌توان در دو بخش قبل و بعد از انقلاب در نظر گرفت.

بیشترین خدمات علمای حوزهٔ علمیهٔ قم از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۸ مدیریت فرهنگی دینی جامعه و مبارزه غیر مستقیم با انحرافات و منکرات اخلاقی و فرهنگی بود. این خدمات در قالب اعتراض و یا اقدامات مقابله‌جویانه با دستگاه حاکم بود. بخشی از خدمات اجتماعی که در حوزهٔ فرهنگ و علم صورت می‌گرفت، به شکل ساخت مساجد و مدارس علمیه و ایجاد فضاهای علمی و فرهنگی (مثل حسینیه‌ها و مدارس دینی) انجام می‌شد. مصادف با حرکت انقلابی مردم، مبارزه‌های سیاسی با نظام ستم‌شاهی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های حوزه و روحانیت به شمار می‌رود که به‌ویژه در سال‌های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ قابل ارائه است.

بخش عمده‌ای از فعالیت‌های حوزهٔ علمیهٔ قم در زمان قبل و بعد از انقلاب به اصلاحگری اجتماعی و نیز خدمات رفاهی و اجتماعی معطوف است. ساخت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، آب‌انبارها و مدارس و پل‌ها و منازل مسکونی بخشی از این فعالیت‌های عام‌المنفعه اجتماعی است که به همت علمای حوزه در یکصد سال اخیر مشهود همگان است.

در روزگار معاصر که دشمنان همواره در صدد تخریب این نهاد دینی و معنوی و اخلاقی هستند، انعکاس مجموعه فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی حوزهٔ علمیهٔ قم و نهاد روحانیت در یکصد سال اخیر می‌تواند بخشی از شبهات و پرسش‌های نسل معاصر را در کارایی روحانیت پاسخ دهد.

منابع

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد، ۱۳۸۸، ***پارسای کویر: خاطرات و آموزه‌هایی از زندگی آیت‌الله حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی***، قم، بوستان کتاب.

انصاری قمی، ناصرالدین، ۱۳۸۸، ***اختران فضیلت***، قم، دلیل ما.

بصیرت‌منش، حمید، ۱۳۷۸، ***علماء و رژیم شاه***، چ دوم، تهران، عروج.

بهداروند، محمدمهدی، ۱۳۹۶، ***نقش روحانیت در دستاوردهای انقلاب اسلامی***، قم، نورالامین.

جمعی از محققان، ۱۳۸۷، ***گلشن ابرار: زندگی اسوه‌های علم و عمل***، به کوشش عبدالصمد جودتی استیار، چ دوم، قم، طه.

ربانی، اسدالله، ۱۳۷۸، ***فیض عرشی: زندگینامه آیت‌الله حسن حسن‌زاده‌آملی، آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی، آیت‌الله محمدعلی ربانی، آیت‌الله میرتقی نصیری، آیت‌الله حسین محمدی‌لائینی***، تهران، چاپ و نشر.

رخشاد، محمدحسین، ۱۳۸۳، ***فریادگر توحید: شرح زندگی حضرت آیت‌الله بهجت***، قم، انصاری.

صرفی‌پور، محمدتقی، ۱۳۹۰، ***پای درس علماء***، قم، صرفی‌پور.

فولادی‌پناه، اعظم و مهشید کبیری، ۱۳۹۷، ***کتاب نهضت عاشورا و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن بر جامعه ایرانی***، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

کسروی، احمد، ۱۴۰۱، ***تاریخ مشروطه ایران***، چ بیست و هشتم، تهران، امیر کبیر.

محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۹، ***خورشید حوزه‌های علمیه: آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری***، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی امام عصر.

مدرسی، سیدمحمدکاظم و همکاران، ۱۳۸۴، ***دانشنامه ائمه جمعه کشور***، تهران، برگ رضوان.

مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷، ***ستم‌ستیزان نستوه: آیت‌الله حاج شیخ جواد فومنی حائری به روایات اسناد ساواک***، قم، مرکز بررسی اسناد تاریخی.

منظورالاجداد، سیدمحمد حسین، ۱۳۷۹، ***مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست***، تهران، شیرازه.

موسوی‌خمینی، سیدروح الله، ***صحیفه امام***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی﵀.

نعیمی‌اراکی، داود و محمدمهدی هدایتی، ۱۳۷۴، ***نورالباقی در تاریخ و کرامات آقا نورالدین عراقی***، قم، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکزی.